

منبع : (institute for policy studies (IPS)).

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

تاریخ بازنگری (بیست و یک مارچ «2013»)

تاریخ ترجمه بیست جولای ۲۰۱۴

پروژه ای برای قرن جدید امریکایی

Project for the New American Century

لطفاً توجه داشته باشید: که نهاد مطالعات سیاسی ویب سایت (Right) نه مسول نشا ندهنده و نه تایید کننده ای اطلاعات عمومی فرد و یا گروه درین سایت میباشد. این پروژه یعنی پروژه ای برای قرن امریکایی جدید (PNAC) توسط شماری از برجسته ترین نویسندگان و کارشناسان ماهر جمع محافظه کاران نو (Neoconservative) امریکا در دفاع از سیاست تهاجمی خارجی ایالات متحده امریکا و «پیشتیانی جمعی از رهبری نمودن کل جهان» طی سال «1997» ایجاد شد در یکی از اسناد بنیادی این گروه از نویسندگان و کارشناسان محافظه کاران نو ایالات متحده امریکا چنین ادعا شده است که باید سیاست ریگن «اقای رونالد ریگن ریس جمهور فقید اسبق ایالات متحده امریکا مبنی بر بلند بردن قدرت نظامی و مورال بوضوح اخلاقی ارتش» دنبال شود چونکه سیاست مد روز و مطابق شرایط امروزی میباشد بناً اگر خواسته باشیم که یک امریکای جدید و قدرتمند را بسازیم در آن صورت بر علاوه موفقیت های کسب شده قرن گذشته، ما باید آینده مصون و مطمئن و کشور با عظمت و باشکوه داشته باشیم.



پروژه ای برای قرن امریکایی جدید که طرح رده ها و یا مراحل بیشتر عملیات های آن طی سال «2006» بیرون آمد حاکی از بهترین راه حل های در بلند بردن توانایی و جلب

گروه های سیاسی متفاوت ایالات متحده امریکا مبنی بر حمایت شان از اجندای سیاست خارجی تهاجمی ایالات متحده امریکا بود که توسط کارشناسان محافظه کاران نو پلانیزی شده بود ، و آن اینکه این گروه ویا طراحان پیشبرد سیاست تهاجمی ایالات متحده امریکا بغرض تحقق این سیاست تهاجمی ، بارها بارها ائتلاف فعالان سیاسی راستگرا را دعوت نموده اند تا از این سیاست حمایت نمایند و در پرتو همین سیاست از آنها خواسته تا علیه (تروریزم) در شرق میانه بشمول عراق دست به تهاجم زد. گرچه برخی از ناظران تاثیرات این سیاست تهاجمی را بیشتر اغراق آمیز توصیف نموده اند بگونه ای مثال دوه گروه ای از پژوهشگران بادر نظر داشت میان دوره ای یا فصلنامه ای از دانش جامعه شناختی تحقق پروژه ای برای قرن امریکایی جدید راطوری استدلال می نمایند که این پروژه تنها وقتی میتواند « توسعه پذیر ، قانع کننده، قابل تایید و قابل توجیه باشد » که علیه عراق به جنگ بپردازد . این گروه ها مسلماً از موثرترین واز پرپا قرص ترین حامیان نظریات جمعیت محافظه کاران (نیوکان) نو در مدت زمان بین آغاز دوردوم ریاست بل کلنتون و دوران زمامداری جورج وائر بوش طی سال «2003» تا تصمیمگری آغاز تجاوز برعراق بودند .

بیانیه اساسی پروژه ای برای قرن امریکای جدید سال «1997» که در آن یک برنامه کاری هدفمند برای پیشبرد سیاست خارجی ونظامی ایالات متحده امریکا تعیین گردید توسط بنیاد گذاران پروژه ای مذکور هریک ویلیام کرسستول (William Kristol) ورابرت کاگان (Robert Kagan) تهیه وپیشکش شد که بیشتر در آن پالسی رونالد ریگن را به عنوان پالیسی ریگن نو (neo Reaganite) توصیف و توضیح داده اند . امضا کنند ه گان این سند ومنشور مشتمل از چهره ها وشخصیت های برجسته وممتاز از اهل مسیحان دست راستی وسایر گروه های سیاسی محافظه کار می باشند ، دراین بیانیه گفته شده وآن اینکه: چنین به نظر میرسد که « ما عناصر اصلی ودست اوردهای مهم از موفقیت های دولت رونالد ریگن را ممکن فراموش کرده باشیم ، موفقیت های سترگی چون دربخش نظامی وانهم آنقدر چشمگیر که چه در حال حاضر وچه در آینده ها میتواند جوابگوی هرنوع مسابقات وچلنج های نظامی باشد، یا سیاست خارجی قاطع وشجاعانه وهدفمند او که باعث ترقی وپیشرفت امریکا درساحه ملی وبین المللی گردید وراه رهبری ایالات متحده امریکارا درجهان باز کرد راهی که مسولیت رهبری تمام جهان را بدوش ایالات متحده امریکا گذاشت . ویا راهی را که ایالات متحده امریکا منحیث پالیسی ملی خود مسولیت رهبری جهان را می پذیرد .

کارمندان وهیبات مدیره پروژه ای برای قرن جدید امریکایی شامل آقای کرسستول (ریس) ،کاگان ، بوروس جاکسن، مارک گارسن ،راندی شیوونیمین ،ایلین بورک (معاونین هیبات مدیره) ،گاری شمت(عضو ارشد) ،توماس دونیلی (عضو ارشد) ،ریبول گیریشث

(مدیر نوآوریها در شرق میانه) ، تیموتی لیهمان (معاون مدیر) و میشل گولدفارب (عضوکارمندان تحقیق وریسرچ) و علاوه بر آن مهمانداران و میزبانان طرفداران هر دوگروپ ایدیولوژی دست راستی ها و جنگ طلبان از حامیان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی کسانی اند که در نسخه ویا در بیانیه ای اساسی امضا نموده اند.

(لست مکمل اعضا و امضاکننده گان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی را در ویب سایت (Right Web) ملاحظه فرماید).

منشا ود ستورکار: قبل از آنکه پروژه ای برای قرن جدید امریکایی ایجاد گردد محافظه کاران نو (Neoconservatives) و حامیان ایتلافی افراطی ناسیونالیست آنها بشمول رامسفلد و دیک چینی آغاز به اشاعه ای نظریات گسترده ای تهاجمی ضد کمونیزم نظامی نمودند چونکه این پالیسی در دوران جنگ سرد از بسا جهات در سیاست ایالات متحده امریکا تسلط بیشتر داشت. علاوه بر آن یک گام کلیدی دیگری که در سال (1995) در این روند برداشته شد، تاسیس هفته نامه ستاندارد (weekly standard) بود که توسط دوسر سپرده ویا دوفرزند پیشقدم مربوط به جنبش محافظه کاران نو ایالات متحده امریکاهریک ویلهیم کریستول «فرزند Irving» و «John Podhoretz» فرزند «Norman» و به همکاری واشتراک «Fred Barnes» نماینده اسبق (Neorepublic) تاسیس و مدیریت میگردد. آنها کمک های مالی و بودجوی را برای نشر و چاپ این هفته نامه از رسانه ای کاملاً مطمئن و مصون بنام موگل (Rupert Murdoch) بدست می آوردند که بسرعت به رسانه ای تحت نام (Commentary) با مصارف هنگفت بودجوی از حامیان محافظه کاران نو بمنظور تبلیغ و اشاعه ای نظریات محافظه کاران نو تعویض گردید.

در سال (1996) کریستول و کاگان نامه ای نوشتند و آن نامه را به اداره و دیپارتمنت روابط بین المللی گسیل نمودند که محتوی این نامه ای ارسالی شامل بیانیه ای اساسی (مرام) و اجندای کاری جمیعت محافظه کاران نو (Neoconservatives) تحت عنوان پالسی خارجی ریگن جدید (Neo-Reaganit foreign policy) ایالات متحده امریکا بود. در این نامه همچنان در چندین سطر آن بویژه در اجندای سیاست خارجی پس از جنگ سرد از جمله حفظ و نگهداری هژمونی خیرخواها نه، استفاده از زور و فشار و آنهم بطوریک جانب و پیشگیرانه تذکر بعمل آمده بود آقای کریستول و کاگان این خواسته را در متن نامه گسیل شده به اداره روابط سیاست خارجی ایالات متحده امریکا به بسیار وضاحت و فصاحت چنین افاده نموده بودند: **نقش ایالات متحده امریکا چه باید باشد؟** آنها نقش ایالات متحده امریکا را چنین توضیح داده بودند: هژمونی خیرخواهانه در سراسر جهان، و پس از شکست امپراتوری شیطان (منظور اتحاد جماهیر شوروی است) ایالات

متحدہ امریکا باید از یک ستراتیژی وایدیولوژی مشخص برخوردار باشد کہ با در نظر داشت ہمین خواسته ، هدف اولی در سیاست خارجی ایالات متحدہ امریکا باید حفظ ونگهداری و افزایش قدرت و توان نظامی و تامین امنیت و مصونیت امریکا و حمایت ہمہ جانبہ ازدوستان امریکا بشمول تامین منافع وایستادہ گی ثابت این کشور در راہ وصول ہمچو خواسته ها در سراسر جہان باشد .

اقایون ہریک کاگان و کریستول گفتند کہ دشمنان اصلی و اساسی ما دشمنان داخلی اند و وقت آن رسیدہ تا یکبار دیگر علیہ این امریکای های بی تفاوت و امریکایی های محافظہ کار بہ مبارزہ و مسابقہ پرداخت ، آنها افزودن کہ صلح سراسر در جہان بہ توانمندی و قدرت ہرچہ بیشتر حال و آیندہ ایالات متحدہ امریکا تعلق میگیرد ، شکست صلح یا عدم تامین صلح در تمام جہان بہ ضعف و ناتوانی امریکا ارتباط باہمی دارد . ہژمونی ایالات متحدہ امریکا یگانہ نیروی دفاعی مطمینا نہ علیہ آنہای میتواند باشد کہ صلح را بہ مخاطرہ می اندازند پس در اینصورت هدف بویژہ سیاست خارجی ایالات متحدہ امریکا تا حد ممکن باید نگہداری ہژمونی در آیندہ ها باشد و بمنظور توصل بہ این هدف ضرورت آن دیدہ میشود تا ایالات متحدہ امریکا پیروی از سیاست (Neo Reagenite) بنماید کہ آن پالیسی عبارت از تقویہ و تفوق نیروہای نظامی و اعتماد بہ نفس و مورالی است کہ آن را باید از خود سازد .

پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی بہ حیث یک نهاد متحرک و فعال و جنبندہ بمنظور جلب و جذب نظریات وایدہ ہایکہ در برنامہ ویا خط مشی خویش از آن تذکر بعمل آورده اند خدمات قابل ملاحظہ ای را در ہردو مجلس نمایندہ گان واقع در واشنگتن دیسی و در شعبات اداری و در نهاد ها و شرکت های تجاری و سرمایہ داری ایالات متحدہ امریکا انجام دادہ است و انجام میدہد . این پروژہ توسط شماری از کارکنان ارشد و ورزیدہ محافظہ کاران نو و در حال ظہور آنہایکہ با ایراد بیانیہ ها ، نوشتن نامہ ها و مقالات در جمع آوری امضا های نخبگان سیاسی قدم های بجلو گذاشتند کہ قابل قدر و تمجید میتواند باشد .

ایجاد و تاسیس پروژہ ای قرن جدید امریکای در واقعیت امر (انتقال کامل نسل) بویژہ و مشخص شدہ بہ «Neoconservatism» مییاشد کہ با سقوط و سرازیر شدن دیوار برلین و پایان جنگ بوزنیا شکل میگیرد . این مطلب را دانشمندان «نیوکان ها» ہریک «Stefan Halper» و «Janathan Clark» در کتاب منتشر شدہ ای سال (2004) شان تحت عنوان (American Alon) تذکر میدہند . از سوی دیگر فرض بہ آن شد کہ در نیمہ اواخر سال «1990» رہبری این نهاد را بدوش گروپی از نیوکان های نو اعم از کاگان ، ویلیہم کریستول {Joshua} , Muravchik{Richard} perle , و {Paul} Wolfowitz بگذارند ، چونکہ برای مدت های طولانی این نهاد را اقایون

هریک «Nathan Glazer»، «Irving Kristol»، «Daniel Patrick Moynihan» و «Norman Podheoretz» رهبری میکردند و ایجاب آنرا میکرد تا به عوض آنها این فضای خالی بجا مانده از نیوکان های قدیم را که دیگر توان اندیشیدن رویداد های بین المللی را به وجه احسن نداشتند توسط نیوکان های جوان و با اندیشه های بهی خواهانه و در حال گسترده پر سازند نیوکان های جوانیکه رویدادهای بین المللی در حال تغییر سال (1990) را از نزدیک می نگرستند و بقدر کافی آن رویداد ها را تحلیل و ارزیابی می نمودند که این خود فعالیت های نهاد نیوکان ها را در مسیر اصلی آن سمت وجهت دادند.

پروژه ای برای قرن جدید امریکایی، که اساسات و اصول بیانیه اساسی آن توسط کاگان و کریستول تهیه و تدوین و به اداره روابط بین المللی ایالات متحده امریکا گسیل شده بود عین اساسات و اصول تدوین شده مکرراً در ماه جون سال (1997) خاطر نشان گردید. یعنی شامل تفوق نیروی نظامی ایالات متحده امریکا و در بیانیه اساسی چنین استدلال شده است «تاریخ قرن بیست برای ما باید این اندیشه و مفکوره را داده باشد که ما باید قبل از آغاز بحران وضع و حالت فعلی را به نفع خویش پیش از آنکه تهدید حالت وخیم را بخود بگیرد شکل و صورت دهیم. بر بنیاد همین استدلال در پاسخ به سیاست سردرگم اداره کلنتون آنچه که باید واکنش نشان داد همان سیاست تفوق و تقویه نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و توضیح یا شفافیت اخلاقی و معنوی آنها که در تحت عنوان (Neo-Reaganite) آمده است میباشد چونکه در بیانیه ای اساسی روی آن تاکید شده است. پس در این صورت ضرورت آن دیده میشود که ما باید بودجه و مصارفات نظامی خود را در صورتیکه بتوانم مسولیت رهبری جهان را بعهده بگیریم باید بالا ببریم یعنی مطابق تقاضا و شرایط مبرم امروزی در تقویت و مدرنیزی نمودن ارتش خویش که بتواند تهدیدات را در آینده ها از جلو روی ما بدور افکند از همین اکنون باید تلاش بخرچ دهیم و در پهلوی آن ضرورت اینهم دیده میشود که باید نیروهای دموکراتیک ایتلافی خود را که در مقابل رژیم های دشمن ما از ما حمایت بعمل می آورند نیز از نظر دور نداشته و آنها را درین راه از هر جهت کمک و تشویق نمایم. ما همچنان برای توسعه و گسترش پالیسی سیاسی و اقتصادی خود در جهان معاصر باید از آزادی عام و تام برخوردار باشیم و پیوسته به آن ما باید مسولیت نقش منحصر بفرد ایالات متحده امریکارا بمنظور حفظ و گسترش یک نظام بین المللی دوستانه که متضمن امنیت، رفاه و اصول ماباشد آن نظام را در سطح کل جهان باید بپذیریم.

برای شناسایی حاکمان میان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی کارت و یا فورمات عضویت چاپ و تهیه گردیده که بعداً هر آنکس که عضویت این پروژه و یا نهاد رami پذیرد امضا و به او تقویض میگردد. گرچه بسیاری از امضاکنندگان اصول و بیانیه ای

اساسی و دیگر اسناد مربوط به پروژه ای مذکور را نیوکانه‌های پیر و جوان تشکیل می‌دهد
مثل { Elliott Abrams, Norman Podhoretz, George Wiegel , Midge }
و همچنان نماینده گان سکتورهای
متعدد اجتماعی دیگر بشمول رهبران مذهب‌یون دست راستی مثل (Gary Bauer,) واز
نهادیای حزب جمهوریخواه مثل « Steve Forbes , » ویا از سازمان محافظه کاران
اجتماعی نظیر « William Bennet » ویا از گروه ناسیونالیست های افراطی مثل پیتر
رودمان ، رامسفلد و دیگر چینی واز اکادمیسن های برجسته ای که از نظریات نیوکان ها
حمایت می نمایند نظیر (Francis Fukuyama and Eliot Cohen) این حلقاتی که
از پروژه ای برای قرن جدید امریکایی حمایت بعمل می آورند در واقعیت امر ابزار
و نیروهای درخور ستایش اندواین امکان را میسر میسازند که درهاله ای از نظریات
نیوکان و پذیرفتن اهداف تدوین کننده گان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی به شکل
یک ائتلاف ملیتاریستی نایل آیند. قابل یادآوری است که قریب به درجی از امضا کننده
گان بیانیه اساسی پروژه مذکور بعد از چهار سال در اداره بوش شامل مشاغل شدند
نظیر رامسفلد ، اولف اوتس ، دیگ چینی ، پولا دوبرینسکی ، زلمی خلیل زاد ، ابرام و
(Libby).

در پی رویداد ویا حادثه (9/11) موضوعات اجندا در بیانیه ای اساسی پروژه ای
برای قرن جدید امریکایی مشخص گردید واین موضوع مشخص در قالب ستراتیژی
سال(2002) امنیت ملی بوش ظاهر گردید و طی یک بیانیه ای رسمی همچو ستراتیژی
را به اصطلاح دکترین بوش نامیدند ، آقای رابرت جیسیس (Robert Jervis) محقق و
دانشمند روابط بین المللی ایالات متحده امریکا دکترین بوش را ترکیبی از باورمندی
و با اهمیت روش داخلی یک دولت در تعیین سیاست خارجی و قضاوت مرتبط به آن
توصیف و تعریف نمود و چنین افاده نمود که اکنون زمان آن فرا رسیده است که دولت
ایالات متحده امریکا در سیاست خارجی خویش تغییرات چندی را باید بوجود آورد. واز
سوی دیگر هنگامیکه موضوع درک یک تهدید بزرگ در میان باشد این تهدید را میتوان
با داشتن یک سیاست قوی مهار کرد و اگر مساله پیشگیری از جنگ مطمح نظر باشد
در آنصورت ایجاب میکند که بیدون صرف وقت به عملیات یک جانبه دست زده شود
با در نظر داشت باور و احساس برتری جویانه صلح و ثبات زمانی قابل دسترسی خواهد
بود و قتیکه ایالات متحده امریکادر پهنه ای سیاست جهانی دارای سیاست بالا و برتری
باشد ویا قادر به دفاع از سیاست برتری جویانه ای خود در سطح بین الملل باشد .

نامه ای سرکشاده و انتشارات دیگر : مسولین پروژه های برای قرن جدید امریکایی
دست به نشر شماری از نامه های سرکشاده زدند و این نامه ها را به دفا تر ریاست
جمهوری و دیگر ادارات عامه ای ایالات متحده امریکا فرستادند، در متن این نامه ها از

دفاع تا یوان تا برانداختن و سقوط دادن سلوبودو مالاسویچ (Slobodan Milosevic) و از همه عناصر روبه جلو چشم انداز سیاسی مبنی بر تقویه ای پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی تذکرات مشخصی بعمل آورده بودند، بعضی از این نامه ها توسط گروپ های آزاد ولیبرال سنتی و اشخاص و افراد مربوط نهاد ها مثل گروپ سازمان بحران بین المللی بویژه اقایون هر یک (Morton Abramowitz) و (Morton Halperin) و توسط مجمع مسیحان ایوانگیلیش (evangelical) و محافظه کاران اجتماعی، لیبرالهای افراطی دموکرات ها و نخبگان و یا طرفداران واقع گرایان یا «ریالیسها» مورد حمایت و تایید قرار گرفت.

مجربان پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی قبل از همه و در قدم نخست به دادوستد و کار و بار در عراق و آنهم با در نظر داشت نشر کتاب سال (2005) جورج پاکر (Georg Paker) تحت عنوان دروازه ای تروریستان (The Assassins' Gate) پرداختند و خواستند تا نظریات و اندیشه های پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی را به آزمایش قرار دهند که آیا میتواند خدمات شایانی را برای ایالات متحده امریکا در امر قدرت نمایی و رهبری جهان ایفا نمایند. ناراحتی از شکست و ناموفق شدن جورج بوش در اقدام اولی سرنگونی صدام حسین باعث بروز تهیج و تحریک بیشتر نیوکان ها گردید و ایشان را واداشت تا ایالات متحده امریکا اقدامات هرچه سریعتر تهاجمی را علیه عراق و صدام حسین روی دست گیرد پیروان پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی و از جمله گروه فشار همچو کمیته احیا برای صلح و امنیت فارس که اعضای ان عبارت اند از (رامسفلد، ابرامس، زلمی خلیل زاد، پیرل، اولف و تس، دوگلاس فایت، جان دولتون، و دیوید ورمسر و حلقات دیگر مربوط جمهوریخواهان) مضامین و مقالات زیادی در رسانه های ایالات متحده امریکا به نشر رساندند و از دولت امریکا خواستند تا علیه عراق و صدام به تهاجم سریع بپردازد و برای جهانیان وانمود سازد که امریکا دارای توان و قدرت فوق العاده میباشد. حامیان پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی بشمول حمایت گران و متحدین پروپا قرص شان با تکیه و ملاحظه بر دوفرصت و موقع ویاجانس مساعد و از هم مجزا ولی حاوی اهداف باهم مرتبط خواستند به جهان نیان نشان دهند که ایالات متحده امریکا در سطح جهان دارای قدرت و توان خارق العاده ای با قول و جمله ای چارلس کروتامیر (Charles Krauthammer) میباشد و آن اینکه «ایالات متحده امریکا دارای توان نمایش و تظاهر غیر عذرخواهانه ای (بیدون کرنش و یا تضروع) بوده که هر لحظه میتواند آغاز به بازسازی درامتیک شرق میانه با چشم انداز سیاسی نیوکان ها بپردازد و در برتو همین توان و قدرت آنچه را که در اکثر اسناد برای تامین مصونیت اسرائیل از اواسط دهه (1990) تذکر داده است به آن جامه عمل بپوشاند.

پیروان سیاست پروژہ ای برای قرن جدید امریکایی در ماه جنوری سال «1998» به

اقای بل کلنتون یک نامه سرکشاده بالین استدلال فرستادن : که کنترول ومهار عراق «درحال فرسایش» که منطقه را در خطر انداخته وبطور بالقوه فراتر از آن با ملاحظه وتوجه به عملیات های تهدید آمیز سیاست فعلی ایالات متحده امریکا برای موفقیت ما به ارتباط متحدین ما وتکیه به همکاری صدام حسین کاملاً پرمخاطره و غیر کافی میباشد . با در نظر داشت همین تذکرات فوق پیروان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی بعد از چند ماه نامه سرکشاده به رهبر ویا ریس ثنائی ایالات متحده امریکا آقای ترنت لوت (Trent Lott R-MS) و به سخنگوی کنگره آقای نیو جنگریش (Newt Gingrich R-GA) فرستادند که در نامه های فرستاده شده چنین استدلال شده بود « یگانه راهی که میتوان ایالات متحده امریکا و متحدین مان را از سلاح کشتار جمعی مصون و از تهدید واداشت گزینش سیاست ویا اقدام فوری از بین بردن صدام حسین از قدرت در عراق میباشد .

آنهایکه این نامه ها را امضا نموده بودند بشمول امضا کننده گان بیا نیه پرنسپ های اساسی پروژه ای برای قرن جدید امریکایی وآینده گرایان واقعی رسمی اداره بوش اعم از ریچارد ارمیتاژ (Richard Armitage) و رابرت زوایلاک (Robert Zoellick) همه وهمه در سال (1998) با ذوات اعم از (اولف وتس ، رامسفلد ، پیرلوسندی برگر ، مشاور امنیتی اداره بل کلنتون) و پیروان پروژه ای برای قرن جدید امریکایی یک نشست تفاهمی را ترتیب دادند وبه ارتباط مداخله ایالات متحده امریکا به عراق در ماه فبروی سال (1998) بحث وگفتگو نمودند « اولف وتس» در برابر کمیته روابط بین المللی مجلس کنگره شهادت داد که یگانه راهی بیرون رفت ونجات منطقه وجهان سرنگونی صدام حسین وتغیر رژیم او است وبس خواست اشکار دیگر محافظه کاران و (نیوکانهها) ایتلاف سازی بود که به دوران انتخابات جورج والتربوش متصاف بود ، درین وقت اولف وتز علاوه می نماید که ایالات متحده امریکا باید یک حکومت آزاد عراق را ایجاد وآنرا برسمیت بشناسد وبهتر خواهد بود که با حفظ تشکیلات موجود حکومت وکنگرس ملی عراق « احمد چالابی» را در اس این تشکیلات توظیف ساخت بهر صورت هریک هیلپر وکلارک فقط چند سال بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی نیوکانزرتبیزم (neoconservatism) شان را بعنوان هدف لابی (دهلیز وراهرو) مداخله بالاتر از همه چیز در جنگ دوم خلیج فارس متمرکز ساختند .

ادامه دارد